



«لَقَدْ خَابَ مَنْ رَضِيَّ دُونَكَ بَدَلًا».
امام حسین (ع) فرمود: «هر کس به غیر تو دل
بینند، زیان کرده است».
بحار الانوار، ج ۹۵ ص ۳۲۶

مرا در شبکه های اجتماعی دنبال کنید



طالبان به جهان نیاز دارد
یا جهان به طالبان؟

صفحه ۱



نگرانی منطقه از تحرکات
تزوییست‌های افغانستان

صفحه ۲



مقصر شکست نیروهای امنیتی
در برابر طالبان کیست؟

صفحه ۲

تحلیل

یادداشت

مقصر شکست نیروهای امنیتی در برابر طالبان کیست؟

استファン جنسن، افسر سابق ارشت ناروی در یک توبیت نوشته: اینکه می‌گویند نیروهای نظامی افغانستان علیه طالبان نجنگیدند، دروغی تهوع آور است. افسر سابق ارشت ناروی اظهار داشت نیروهای افغانستان "همانند جهنم" جنگیدند، اما سال ۲۰۲۱ آن‌ها را بدون مهمات، غذا، آب و پشتیبانی هوایی رها کردیم.

این نظامی ناروی خاطرنشان کرد که امریکا و ناتو وعده حمایت دوامدار از افغانستان را داده بودند، اما ترامپ و باiden برخلاف آن وعده، جنگ را پایان دادند.

افسر سابق ارشت ناروی در افغانستان می‌گوید توافق دوچه و خروج نظامیان خارجی ضربه مهله‌کی به نیروهای افغانستان وارد کرد. به گفته‌ی او، تراپم بدون دخالت دولت افغانستان توافق دوچه را با طالبان امضا کرد و باiden آن را به بدلترین شکل ممکن اجرا کرد.

استファン جنسن نوشته است که نیروهای افغانستان برای جنگیدن معهده بودند، اما «نتیجه این تاثیر سیاسی برای افغانستان فاجعه بار بود».

براساس سخنان آقای جنسن و به باور کارشناسان، نیروهای خارجی مستقر در افغانستان، هیچ حمایتی در جهت تقویت و تجهیز ارشت افغانستان انجام ندادند. خروج یکباره و بدون برنامه نیروهای خارجی از افغانستان نقطه شروع شکست نیروهای امنیتی افغانستان به شمار می‌آید. کشورهای غربی به دنبال استقال و خودکفای افغانستان بودند بلکه آن را با هدف اشغال و تامین منافع خویش در افغانستان حضور یافته بودند.

در قضیه شکست نیروهای امنیتی و تسلط طالبان در افغانستان نمی‌توان نیروهای امنیتی را مقصر دانست زیرا آنان از مقامات بالا تر دستور می‌گرفتند. با این حال آنان تمام تلاش را برای حفظ تمامیت ارضی افغانستان می‌نمودند، اما با کمال تأسف، دستهای پشت پرده و خیانت‌های نایخشودنی سبب شد تا رشته کار از دست ارشت خارج شود و آنان نتوانند در مقابل طالبان ایستادگی کنند.

بسیاری از کارشناسان توافقات پشت پرده میان میان طالبان و امریکا در دوچه را عامل فروپاشی نظام جمهوریت می‌دانند و معتقدند که امریکا پس از اینکه نتوانست به اهداف خود در افغانستان دست یابد، تصمیم برآن گرفت تا با تحويل افغانستان به طالبان، خود را از گردد بحران در افغانستان نجات دهد.

آنچه اهمیت دارد این است که کشورهای غربی، با هدف تامین امنیت و برقراری دموکراسی به سایر کشورها لشکر کشی نمی‌کنند؛ بلکه آنان اهداف دیگری دارند که چیزی جز اشغال و هغارت بردن منابع و سرمایه‌های ملتها نمی‌باشد. شاهد این مدعای این است که در شرایط کنونی که مردم افغانستان با نقص گسترده حقوق بشر هستند، کشورهای غربی چه اقامی برای حمایت از آنان انجام داده است؟

بنابراین شکست نیروهای امنیتی افغانستان نتیجه کم کاری و شانه خالی ساختن آنان از وظیفه نبوده بلکه خیانت‌های سران حکومت و توطئه غربی‌ها این اتفاق را در افغانستان رقم زد تا کشور، یکشنبه تحويل نیروهای طالبان شود و دستاوردهای گوناگون ملت ما در خاک دفن شود.

فرار رو به جلوی طالبان، مقصر اصلی بحران اقتصادی در کشور کیست؟

مردم افغانستان به شکل نگران کننده‌ای دچار فقر و مشکلات ناشی از آن گشته‌اند و آمارهای تاسفبار و نگران کننده‌ای که از سوی نهادهای بین‌المللی ارائه می‌شود بیان کننده این واقعیت تلح است.

اما مقامات طالبان به جای اینکه فکری به حال مردم و اوضاع اقتصادی آن بکنند به دنبال فرافکنی بوده و سعی دارند تا نهادهای بین‌المللی را مقصر فقر موجود و بحران اقتصادی کنونی در کشور جلوه دهند در حالی که این واقعیت که طالبان، قدرت مهار بحران اقتصادی راندارند دیگر بر کسی پوشیده نمانده و ضعف طالبان در مدیریت اقتصادی کشور بیش از پیش آشکار شده است.

هرچند طالبان سعی دارند تا با نزدیک شدن به کشورهایی همچون روسیه، ایران، چین و ترکیه تا حدی پروژه‌های اقتصادی در حوزه‌های مختلف را احیا کنند اما آنان به خوبی واقعند که به عنوان یک حکومت غیررسمی نمی‌توانند تعاملات اقتصادی و مالی رسمی با کشورهای جهان داشته باشند.

اکنون با بحرانی شدن اوضاع اقتصادی افغانستان و گسترش فقر در کشور به خوبی نشان می‌دهد که عدم به در کنار نداشتن برنامه و طرح قابل اجرا از سوی مقامات طالبان تا چه میزان بر اوضاع اقتصادی

مردم را دیگر با وجود مشکلات موجود در کشور، هنوز طالبان توهمند به رسیمیت شناخته شدن را در سر می‌پروراند و توقع دارند با تمام کارشکنی هایی که در خصوص پیش‌شرط‌های به رسیمیت شناخته شدن حکومت فعلی محدودیت‌های ظالمانه بر علیه آنان و برگزاری انتخابات در راستای عبور از حکومت موقت و تشکیل دولت فرآگیر و دیگر موادر اینچنینی که در مقابل آنان قرار دارد، از سوی مجتمع بین‌المللی به رسیمیت شناخته شوند.

بنابراین باید در پاسخ به اظهارات مقامات طالبان و فرار به جلوی آنان و فرافکنی در خصوص وضعیت بحرانی اقتصادی و سیاسی که دامن مردم افغانستان را گرفته است گفت که شما خود مقصر اصلی وضع موجود هستید زیرا با پاپشاری بر روش غلط حکومت‌داری خویش و همچنین نداشتن هیچ برنامه و طرحی برای برeron رفت از وضع موجود، در گسترش بحران اقتصادی و سیاسی نقش اساسی دارید و تا زمانی که کشور را به روش کنونی اداره کنید، وضع موجود نه تنها بهبود نخواهد یافت بلکه رو به خامت خواهد گذاشت.



به گفته معاون وزارت اقتصاد حکومت سرپرست چالش‌های سیاسی جهان و متوقف شدن کمک های جامعه جهانی، از دلایل اصلی افزایش فقر در این کشور هست و حاکمیت در تلاش برای رسیدگی به بحران اقتصادی کشور است.

عبداللطیف نظری، معاون وزارت اقتصاد حکومت سرپرست در نشست «رونده سبابدهی دولت به ملت» اظهار داشت که با اجرای طرح‌های اقتصادی، سعی در رسیدگی به بحران کنونی در این کشور دارند.

وی همچنین افزود که کشورهای جهان و نهادهای امدادگران و سازمان‌های جهانی نباید کمک‌های خود را سیاسی کنند و باید حقوق مردم را بر اساس منشور سازمان ملل متحده رسیمیت بشناسند.

از سوی دیگر سازمان غذا و کشاورزی سازمان ملل در گزارشی به تازگی اعلام کرده است که برای کمک به هشت میلیون نفر در افغانستان در طول سال ۲۰۲۲ به بیش از ۲۵۲ میلیون دلار نیاز است. در این گزارش تأکید شده است هنوز شوکهای اقليمی، سیاسی و اقتصادی در افغانستان ادامه دارد.

این اظهارات نشان می‌دهد تا چه میزان حکومت طالبان بدون هستند و تا چه حدی به کمک حکمرانی بر مردم هستند و تا چه حدی به کمک های خارجی و نهادهای خیریه‌ای وابسته می‌باشند و این در حالی است که کشور افغانستان با داشتن امتیازات جغرافیایی و دارا بودن منابع و معادن عظیم در حوزه انرژی و سنگهای قیمتی و... پتانسیل این را دارد که به عنوان یکی از ثروتمندترین کشورهای منطقه عرض اندام کند.

هر چند مقامات طالبان مدعی هستند که برای مقابله با بحران اقتصادی و برeron رفت از این بحران، طرح‌های اقتصادی دارند اما با گذشت دو سال از حاکمیت این گروه بر افغانستان نه تنها اوضاع اقتصادی کشور بهبود نیافته است بلکه

سخن سردبیر

یادداشت

طالبان به جهان نیاز دارد یا جهان به طالبان؟



سراج الدین حقانی در نشستی به منظور تقویت و بقاء نظام طالبان با قوم احمدزی شرکت کرده است. حقانی به بزرگان قوم احمدزی گفت: «در دنیا قومهای موفق‌اند که وحدت دارند و حکومت‌هایی موفق‌اند که حمایت مردمی دارند. شما هم وحدت دارید و هم از نظام تام حمایت می‌کنید.»

وزیر داخله حکومت سپرست گفته است: «وقتی نظام حمایت شما را داشته باشد، ضرورت به رسمیت شناختن نیست.»

حقانی اخیراً در دیدار با شماری از باشندگان ولایت پکتیا گفته بود که عدم پذیرش فرمایشات خارجی‌ها باعث شده است که حکومت این گروه از سوی جهان به رسمیت شناخته شود.

او همچنین پارسال در سفر به ولایت خوست از کشورهای جهان خواست تا برای پاسخگویی به نیازهای مشروع دوچاری، با حاکمیت روابط رسمی ایجاد کند.

با گذشت دو سال از عمر حکومت طالبان و تلاش آنان برای به رسمیت شناخته شدن، هنوز هیچ کشوری آنان را به طور رسمی نپذیرفته است. آنان در ابتدا گمان می‌کردند که با تسلط بر تمام جغرافیای افغانستان می‌توانند مقبوليّت و رسمیت کسب کنند؛ اما با پیاده سازی سیاست‌های محدودیت‌آفرین و عدم توجه به حقوق همه مردم، توانستند رضایت جامعه جهانی را به دست آورند.

حال که طالبان توانسته اند توجه جهان را برای به رسمیت شناخته شدن جل نمایند، و جهان نیز از حکومت طالبان دل خوش ندارد، اکنون آقای حقانی گفته است که نیازی برای به رسمیت شناخته شدن ندارند.

هیبت‌باشد گفت که اگر طالبان سیاست ملایم و همراه با عاقلانیت را در پیش می‌گرفتند، مسیر برای آنان سیار ساده و هموار بود اما با کمال تأسف، این گروه حتی توانست رضایت حداقلی را پیدا کند.

امروزه مردم افغانستان با محدودیت‌های گوناگونی از جانب حکومت مواجه اند. سازمان‌های حقوق شری و یعنی المللی همواره بر نفس گسترش حقوق بشر در افغانستان تاکید داشته و تذکر می‌دهند که طالبان نباید با مردم اینگونه رفتار کنند اما هیچ پاسخ مثبتی از سوی حکومت دریافت نکرده اند.

در چنین شرایطی که هیچ تفاهمی میان طالبان و جامعه جهانی وجود ندارد و طالبان نیز بر سیاست‌های خوبی اصرار دارند، مشخص است که طالبان با جهان دچار بیگانگی خواهد بود که آنان را به سوی انزوا کشاند.

بنابراین طالبان مجبورند که یا به تنهایی در افغانستان به حکمرانی ادامه دهند که آینده مشخصی نخواهد داشت و یا اینکه راه تعامل و همپذیری را در پیش گیرند تا از منافع آن بهره‌مند گردند.

یادداشت



نگرانی منطقه از تحرکات تروریست‌ها در افغانستان

جامعه جهانی به تحرکات تروریست‌ها در افغانستان توجه کنند

همان میزان که جامعه جهانی، به طالبان نگاه همراه با تردید و خطر دارند، همکاری و حمایت طالبان از گروههای نیز برای آنان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بدین معنا که میان طالبان و برخی گروهها، پیوند و ارتباط وجود دارد که سبب می‌شود طالبان تواند از آنان عدول نماید. نمونه روشن این پیوند را می‌توان، قربات و همسویی تحریک طالبان پاکستان و طالبان افغانستان ذکر نمود.

در مرتبه بالاتر، کشورهای منطقه نگرانند تا افغانستان مرکزی برای تهدید امنیت آنان نشود. هر چند طالبان توانسته اند اقدامات قبل توجهی در برخورد با بعضی از گروههای تروریستی در افغانستان انجام دهند، اما نمی‌توان آنرا به عنوان اقدام همه شمول در مقابله با همه گروه های افراطی دانست.

از طرفی نیز، ممکن است که طالبان در مرحله کنونی بتوانند در مقابل تهدیدات افراطی موفق ظاهر شوند ولی در آینده نمی‌توانند تضمینی برای عدم تحرکات تروریست‌ها در افغانستان باشند.

نگرانی‌های همیشگی کشورهای منطقه حاکی از آن می‌باشد که اوضاع برای فعالیت گروههای افراطی در افغانستان هنوز هم مهیا بوده و طالبان مسئولیت دارند تا از فعالیت آنان در خاک افغانستان جلوگیری نمایند، زیرا حضور آنان در افغانستان نه تنها به ضرر منطقه و جهان است بلکه افغانستان را بیشتر از همه در معرض آسیب و خطر قرار می‌دهد.

وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران می‌گوید اگر جامعه جهانی به تحرکات تروریست‌ها در افغانستان توجه نکند، تبعات منفی آن دامن‌گیر منطقه و جهان خواهد شد.

امیرعبداللهیان در دیدار با هماهنگ‌کننده سازمان ملل در امور افغانستان گفت که نیاز به راه حل های فوری است. آقای عبداللهیان در این دیدار، تشکیل حکومت فراگیر و مبارزه با تروریسم در افغانستان را مهم ارزیابی و بر ضرورت حمایت از ابتکارات منطقه‌ای در کمک به حل چالش‌های افغانستان تاکید کرده است.

وزیر خارجه جمهوری اسلامی ماموریت سینیرلی اوغلو را در شرایط کنونی سنگین و دشوار توصیف کرده و ابراز امیدواری کرده که او ارزیابی دقیقی از اقایت‌های افغانستان داشته باشد.

در همین حال، همسایه دیگر افغانستان یعنی پاکستان، از رشد فعالیت طالبان پاکستانی و پناه گیری آنان در افغانستان به شدت اظهار نگرانی نموده و گفته است که پاکستان بیش از این نمی‌تواند در مقابل اقدامات «تی‌تی بی» ساخت بماند.

خواجه محمد آصف، وزیر دفاع پاکستان گفته است که پاکستان بدون توجه به موضع حکومت سپرست افغانستان مصمم به ریشه‌کن کردن تروریزم می‌باشد.

با این وجود، طالبان منکر خسرو و حمایت از سران تحریک طالبان پاکستان می‌باشند اما پاکستان قاطعانه بر این مساله تاکید دارد که تی‌تی بی توسط طالبان، پناه داده شده اند.

همین احساس خطر را سایر همسایگان افغانستان نیز داشته و بارها تاکید نموده اند که افغانستان نباید محلی برای تهدید امنیت منطقه و جهان باشد.

صرف نظر از اینکه طالبان چه جایگاهی در میان کشورهای منطقه از نظر مشروعت و مقبولیت دارد، ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که





تکرار جنایت، اسرائیل، کارگردان اصلی هتاکی به اسلام

به این ترتیب کاملاً طبیعی است اسرائیل پشت موضوع باشد و سابقه این رژیم نیز نشان می‌دهد وقتی یک مساله را امنیتی بداند هیچ خط قرمزی برای خود قائل نیست لذا انتخاب سوئد به عنوان دولتی ضعیف که همواره تحت نفوذ دولتهای بزرگ غربی و جولانگاه سرویس‌های اطلاعاتی آنها بوده برای این پروردۀ نیز کاملاً طبیعی و قابل تحلیل در چارچوب ستاریوی کلی تر است. تحقق هدف نهایی رژیم مستلزم آن است که این حرکت شنیع ادامه یابد و حتی رادیکال‌تر شود زیرا تنها در صورت وقوع یک رویارویی مذهبی بزرگ با جهان اسلام است که غرب احتمالاً آماده خواهد بود اختلافات عمیق خود با دولت تنتیا هو را موقتاً کنار بگذارد و از آن در مقابل چالش بی‌سابقه‌ای که گریبانش را گرفته حمایت کند.

اکنون نیز با ورود دانمارک به مساله و تکرار این جنایت در این کشور توسط گروهی افراطی، پیش بینی ها در خصوص وارد شدن بازیگران جدید به میدان حقوق شد و در صورت عدم اتخاذ سیاست بازدارنده از سوی کشورهای جهان و خصوصاً کشورهای اسلامی در این خصوص ممکن است، ابعاد مساله گسترش یافته و هتاکان بر ازان نیز فراتر بگذراند زیار عالم‌آنان از خط قرمزها عبور کرده‌اند.

لذا نقش مسلمانان و کشورهای اسلامی در برخورد با این اقدامات غیرانسانی و هتاکانه، بسیار حساس و سرنوشت ساز است به گونه‌ای که هرگونه مسامحة و کوتاه‌آمدن در قبال متهمان این حوادث راه را برای هتاکی‌های بیشتر باز خواهد کرد و ممکن است دامنه آن تا درون کشورهای اسلامی نیز کشیده شود.

بنابراین اکنون که برخی از کشورهای اسلامی در خصوص دیلمات‌های سوئدی موضع مناسبی اتخاذ کردن و آنها را یا اخراج کردن یا سفرای جدید را نپذیرفتند، در مقابل دیلمات‌های دانمارک نیز باید چنین اقداماتی صورت بگیرد و کشورهای اسلامی بیشتری دست به اینگونه اقدامات شجاعانه بزنند، تا جاییکه دیگر کشورهای اروپایی و غربی به خود چنین جاواز نداشند.

اسلامی به نوعی در صدد انتقام‌جویی و تلافی شکست هایی هستند که از مقاومت اسلامی در طول سال‌های گذشته متحمل شده‌اند.

از سوی دیگر یکی از تکیه‌گاه‌های صهیونیست‌ها حین مواجهه با بحران شدید داخلی حمایت بین‌المللی از سوی امریکا و کشورهای اروپایی بوده است اما اکنون اما چنین حمایتی وجود ندارد و برخی کشورهای غربی نیز تا حدی به این جمع‌بندی رسیده‌اند که تداوم حاکمیت گسترهای نیمه‌دیوانه در تل‌آویو هزینه‌های بین‌المللی بی‌سابقه‌ای برای آنها خواهد داشت.

بنابراین کاملاً طبیعی و قابل پیش‌بینی است که این رژیم اشغالگر، اکنون در بی‌یافتن راههایی برای مجور کردن کشورهای غربی به از سرگیری حمایت همه

جانبه خود از تل‌آویو باشد.

نتایجاً همین خوبی می‌داند جنگ بعدی نه حتی از غزه، بلکه از درون کرانه باختصاری و حتی عمق بیتالمقدس، بسیار نزدیک است و با حمایت ناجیزی که دولت او در جامعه بین‌المللی از آن برخوردار است محتمل است چنین جنگی به سقوط دولت وی همانند آنچه پس از نبرد «سیف‌القدس» رخ داد منجر شود.

به این ترتیب کاملاً طبیعی است اسرائیل پشت موضوع باشد و سابقه این رژیم نیز نشان می‌دهد وقتی یک مساله را امنیتی بداند هیچ خط قرمزی برای خود قائل نیست لذا انتخاب سوئد به عنوان دولتی ضعیف که

تکرار جنایت تنها پس از چند روز، اما این بار در دانمارک که دارای سوء‌بیشینه در زمینه توهین به مقدسات اسلامی استو پیش از این نیز بارها از در این کشور به صورت رسمی به پیامبر اسلام(ص) و قرآن کریم که از مقدسات دین اسلام به شمار می‌روند توهین شده است و مقامات این کشور با حمایت از اینگونه اقدامات همواره به همانه آزادی بیان، فضای امنی برای حرمت شکنان و توهین کنندگان ایجاد کرده اند. این در حالی است که تنها چند روز پیش از این، سوئد با دادن مجوز رسمی به فرد هتاکی که پیشتر اقدام به اعمال ناشایست نسبت به قرآن کریم کرده بود، سبب شدت‌تاوی بار دیگر در یک مکان عمومی اقدام به توهین و بی‌احترامی به قرآن کریم کند.

نکته قابل توجه در این اتفاقات، حمایت مقامات صهیونیستی از این اقدامات است که گمانه‌ها را در خصوص اینکه رژیم صهیونیستی، کارگردان اصلی این وقایع باشد را تقویت می‌کند، زیرا در این رژیم در وین ترین شرایط خویش از ابتدای آغاز به کار اشغالگرانه خود در فلسطین به سر می‌برد و از یک سو تحت فشار سیار زیاد افکار اعمومی در میان شهرک نشینان قرار دارد و از سوی دیگر به شدت در مقابل قدرت مقاومت اسلامی منطقه، مستاصل و درمانده گشته است. شاید در چنین شرایطی، مقامات اسرائیلی با حمایت از اینگونه اقدامات هتاکانه نسبت به مقدسات

برگزاری باشکوه مراسم عاشورای حسینی در افغانستان؛ «هیچ قدرتی نمی‌تواند در برابر عاشورا قرار بگیرد»



همزمان با وضع محدودیت‌ها در سراسر افغانستان برای برگزاری عاشورای حسینی، هزاران تن از شهروندان در نقاط مختلف کشور امنیت مراسم‌های عزاداری را گرفتند و این روز را به صورت گسترده و با شکوه برگزار کردند.

به گزارش خبرگزاری معمار، با وجود محدودیت‌ها و تهدیدهای امنیتی، مردم به صورت گسترده در تامین امنیت عزادارن حسینی سهم گرفتند و مراسم عاشورا را برگزار کردند.

در کابل هزاران تن از شهروندان با رفتن به مساجد برای برگزاری از مراسم عاشورا شرکت کردند. تمام مساجد مربوط به اهل تشیع در روزهای عاشورا فعال بوده و مردم به عزاداری پرداختند.

صدها تن از شهروندان کابل در روز عاشورا حضور در حوزه علمیه خاتم‌النین، مسجد خاتم‌الانبیاء، مسجد الزهراء و دهها مسجد دیگر از عاشورای حسینی تجلیل کردند.

مراسم روز عاشورای حسینی در کابل، ولایت قندهار، شهر غزنی، ولایت لوگر و ولایت بامیان و دیگر ولایت و شهر به صورت باشکوه و پرپرور برگزار گردید. می‌توانید این گزارش را در سایت memar.press به صورت کامل بخوانید

شما می‌توانید اخبار، تصاویر، گزارشات خود را از هر ولایت، شهری و ولسوالی که در آن زندگی می‌کنید را برای ما ارسال نماید تا پس از برسی و تایید در سایت و شبکه‌های اجتماعی خبرگزاری معمار منتشر شود.



Whatsapp +93 78 450 0593

خبر و گزارش‌های ارسلی را در اینستاگرام، تلگرام، توبیتر و فسیبوک ما دنبال کنید.



@MEMAR TV - @MEMARPRESS